افرادی که با مدیریت تفریح می کنند

عبدالهی، شیرزاد

.

اکنون که بحث«صرفه‏جویی»در مصرف جلوگیری از «اتلاف»منابع و سرمایه‏ها در برنامه‏های دولت، مطرح است،یکی از راه‏های صرفه‏جویی و استفاده‏ بهینه از منابع موجود،«اصلاح مدیریت‏ها»و انتخاب‏ مدیران براساس«شایستگی»است.البته علاوه بر انتخاب مدیران شایسته،«نظارت»بر کار مدیران،از طریق،«مطبوعات»و نهادهای مدنی مانند «انجمن‏های صنفی»یکی از راه‏های«کارآمد»کردن‏ اداره‏ها و مؤسسه‏هاست.

وقتی که ضوابط انتخاب«مدیران»،روشن و مدون‏ نیست و انتخاب«مدیران»در چارچوب«روابط» صورت می‏گیرد،شاهد ظهور نوعی از مدیریت،در اداره‏ها و مؤسسه‏های دولتی و عمومی هستیم،که‏ «غرق»در امور جاری و روزمره بوده و ناتوان از هر گونه«خلاقیت»و بیگانه با«اصول مدیریت نوین» هستند و تنها باعث اتلاف«منابع و سرمایه‏ها» می‏شوند این‏گونه«مدیران»فاقد دید«راهبردی» هستند و تفکر آنها«بخشی»و بی‏اعتنا به مسائل‏ «کلان»مملکت و دولت است.

آنها به مسائل«حاشیه‏ای»مدیریت و حفظ«ظواهر» سخت پای‏بند هستند.ایجاد رابطه با مقامهای«بالادست» و انجام کارهایی برای«خوش‏آمد»آنها را مهم‏ترین‏ وظیفه خود می‏دانند و در برابر«مقامها»مطیع و گوش به‏ فرمان و در برابر«فرودستان»متکبر و بی‏اعتنا،هستند. آنها با انجام کارهای تکراری،برگزاری جلسه‏های‏ طولانی و بی‏حاصل،و بر زبان راندن سخنان کلیشه‏ای، خود را خسته و«وقت»دیگران را تلف می‏کنند، «بادنماهای»آنها،برای تشخیص جهت باد،همیشه‏ برافراشته است،تا مسیر تحولات احتمالی را به سرعت‏ درک کرده و خود را با«شرایط»جدید«وفق»دهند!آنها سرسختانه طرفدار«تئوری بقا»به هر قیمتی هستند.کتاب‏ خواندن را کار آدمهای بی‏کار و احیانا«مشکوک» می‏دانند،به خواندن روزنامه‏های گوناگون«تظاهر» می‏کنند،اما هیچ مطلبی را به صورت«عمیق»و تا آخر نمی‏خوانند،هیچ سخنی را،به صورت کامل،گوش‏ نمی‏دهند.با نگاهی به تیترهای درشت صفحات اول‏ روزنامه‏های رسمی و بی‏خطر و«تورقی»سطحی،به همه‏ چیز پی می‏برند!به«شایعات»و حرفهای درگوشی، سخت علاقمند و در گفتار و کردار،بسیار«محافظه‏کار» هستند و آنها می‏توانند یک ساعت«سخنرانی»کنند، بی‏آن‏که«چیزی»گفته باشند.سخنان آنها«کلی»، «تکراری»و فاقد جهت‏گیری سیاسی است.

«میز»آنها انباشته از کاغذ و پرونده است.تلفن سیار و ثابت آنها مرتبا زنگ می‏زند.عده‏ای پشت در اتاق‏ «مدیر»در نوبت نشسته‏اند،تا شرفیاب شوند و مشکلات خود را حضوری به«استحضار»برسانند. «کارتابل»آنها هرروز پر از نامه‏های گوناگون است.هیچ‏ نامه‏ای را«عمیق»نمی‏خوانند،گاه خسته و بیزار از کاغذ و پرونده و تلفن و مراجعه کننده گرفتار،التماسها، اعترافها،درددلها و خشم خود را بر سر«مسئول دفتر» خالی می‏کند!و مسئول دفتر به مراجعان اعلام می‏کند که‏ «رئیس جلسه دارد»و تنها تلفن‏های«خاص»را وصل‏ می‏کند.

«خرداد-1 دی 1377»